

۲۴۹۱۰۴۲

ج۳
ص ۱۰۴
مک

بسم الله الرحمن الرحيم

تجلی وحی در کلام امیرالمؤمنین

برگرفته از کتاب آیه های زنگ دار

www.ketab.ir

مؤلف: بنت الهدی جعفری راد



تهران ۱۳۹۶

سرشناسنامه: بنت الهدی جعفری راد ۱۳۶۱ عنوان: تجلی وحی در کلام امیرالمومنین -

مشخصات نشر: تهران: مهاجر چاپ اول ۱۳۹۶ مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۵-۱۸۲-۷

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ۵۲۴۵ ن ۲۴ ف / ۳۶۳۹ NK



تجلی وحی در کلام امیرالمومنین (ع)

مولف: بنت الهدی جعفری راد

طراحی جلد: فرید اسماعیلی

نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰

لینوگرافی: کارا

چاپ و صحافی: گلپان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۵-۱۸۲-۷

نشانی دفتر: خیابان انقلاب، خ فخر رازی، بن بست نیک پور پ ۷ طبقه ۳

تلفن: ۶۶۹۵۲۱۹۹-۶۶۹۵۲۲۰۰-۶۶۴۱۰۰۳۶

فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۵	مقدمه ناشر
۷	مقدمه
۱۱	پیشگفتار
۱۹	بخش اول:
۱۹	فضائل امام علی (ع) و برخی جاذبه‌ها و ویژگی‌های سخنان آن حضرت
۲۱	فضائل امام علی (ع) از نظر اندیشمندان (غیرمسلمان و غیرشیعی)
۲۵	فضائل امام علی (ع) از زبان خود ایشان
۲۸	چرا کلام علی (ع) را آخ القرآن نامیدند؟
۳۱	تجلی عینی و علمی ذات حق در امیرمؤمنان
۳۳	علی تنها ناطق حق و حقیقت
۳۹	جاودانگی کلام علی در همه قرون و اعصار
۳۹	۱* شخصیت برجسته و والای امیرالمؤمنین (ع)
۴۰	۲* فصاحت و بلاغت کلمات امام علی (ع)
۴۰	۳* تأثیر کلام فصیح در مخاطب
۴۱	۴* نثر نهج البلاغه دارای صنعت سهل ممتنع
۴۱	۵* استفاده بجا و هنرمندانه از آیات قرآنی، احادیث نبوی



- ۶* خطبه‌های غرا و نامه‌ها و کلمات قصار آموزنده ۴۱
- ۷* تنوع مفاهیم و جامعیت کلمات ۴۲
- ۸* امام علی (ع) متعلق به ابدیت ۴۲
- ۹* تحدی شیخ کلینی درباره‌ی حضرت علی (علیه السلام) ۴۲
- ۱۰* سجده در کلام علی (علیه السلام) ۴۳
- ۱۱* کلام علی (علیه السلام) محتوایی قرآنی دارد ۴۳
- بخش دوم: ۴۵
- مصادیق تجلی وحی در کلام امیرالمؤمنین ۴۵
- بُعد اعتقادی ۴۷
- بُعد عبادی ۹۴
- بُعد اخلاقی ۱۰۹
- بُعد سیاسی ۱۴۲
- بُعد اقتصادی ۱۴۶
- بُعد اجتماعی ۱۵۲
- منابع و مأخذ ۱۶۵

مقدمه ناشر

أَيُّهَا النَّاسُ، لِمَ يَسْتَهْوِيَنَّكُمْ عُصَيَانِي، وَلَا تَتَرَامُوا بِالْأَبْصَارِ عِنْدَمَا تَسْمَعُونَ، فَمَا الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، أَلَمْ أَلْزِمَ أَنْبِيَاءَكُمْ بِعَنِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِ مَا كَذَبَ، وَلَا جُحِلَ السَّمَاعُ...! (خطبه ۱۰۱)

ای مردم! لماذا مخالفت با من شما را به گناه آلوده گرداند، و نافرمانی از من سرگردانتان سازد، و چون از من سخنی بشنوید به اعجاب و انکار در روی هم بنگرید؟! به آنکه دانه را شکافت، و روح آدمی را آفرید آنچه را که به شما خبر می‌دهم در مکتب پیامبر اُمی (صلی الله علیه و اله) آموخته‌ام...! مکتبی که در آن گوینده جز راست نگفته و شنونده به خطا نرفته است...!

وَاعْذَرُوا مَنْ لَا حُجَّةَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَهُوَ أَنَا- أَلَمْ أَعْمَلْ فِيكُمْ بِالثَّقَلِ الْأَكْبَرِ- وَ أَتْرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ- قَدْ رَكُزْتُ فِيكُمْ رَايَةَ الْإِيمَانِ- وَ وَقَفْتُكُمْ عَلَى حُدُودِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ- وَ أَلْبَسْتُكُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَذْلِي- وَ فَرَشْتُكُمْ الْمَعْرُوفَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي- وَ أَرَيْتُكُمْ كِرَائِمَ الْأَخْلَاقِ مِنْ نَفْسِي- فَلَا تَسْتَعْمِلُوا الرَّأْيَ فِيمَا لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ الْبَصَرُ- وَ لَا تَتَغَلَّغَلْ إِلَيْهِ الْفِكْرُ... (خطبه ۸۷)

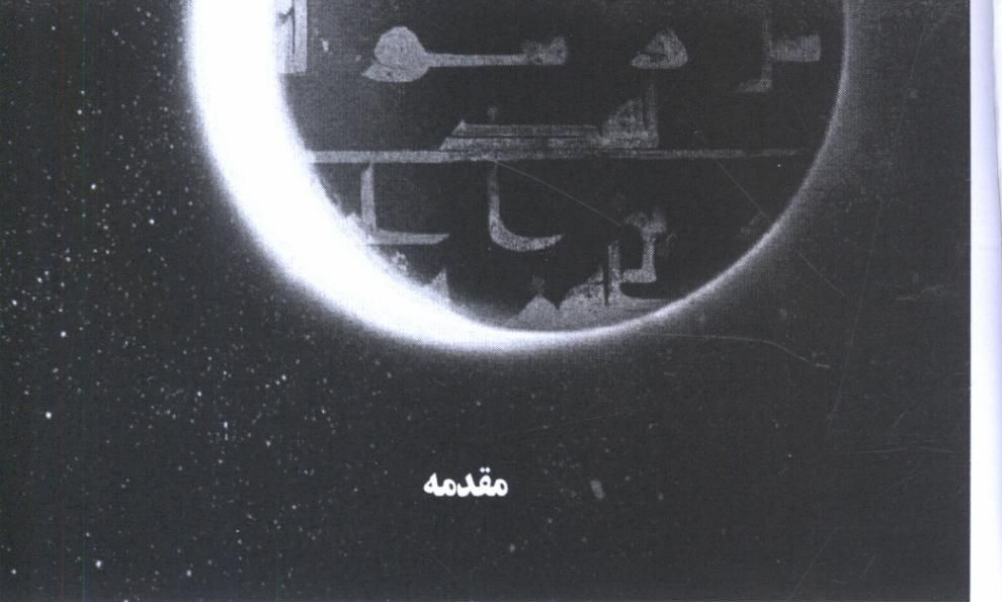


و (هنگامیکه عذاب الهی بشما رسید) معذور دارید کسی را که شمارا بر او حجت و دلیلی نیست، و آن کس منم! (پس عذری ندارید و در آن موقع نمی توانید بگوئید پروردگارا، آیا ما را به آنچه که ندانسته و نفهمیده ایم مؤاخذه و بازخواست می نمایی؟! زیرا من آنچه که برای رستگاری شما بکار آید بیان نموده، در ارشاد و راهنمایی کوتاهی نکردم، لیکن شما از سخنانم پیروی نمودید!

مگر من آن کس نیستم که در میان شما مطابق قرآن عمل کردم و در میان شما عترت پیغمبر را باقی گذاشتم و پرچم ایمان را در میان شما برافراشتم، و بر حدود حلال و حرام آگاهتان ساختم و لباس امنیت و عافیت را از روی عدالت بر شما پوشاندم و با گفتار و رفتار نیک، خیر و احسان را در میان شما گستراندم و اخلاق خوب و پسندیده خود را به شما نمایاندم؟!

بنابراین در این امور که کنه آن را درک نمی کنید و اندیشه شما به حقیقت آن نمی رسد، اظهار نظر نکنید. معارف الهیه و مطالب غامضی که جز راسخان در علم آن ها را درک نمی کنند و از شما بخواهند که آن در حدّ خاندان وحی است...!)

www.ketab.ir



مقدمه

یکی از آرزوهای من این است که نام به عنوان شیعه امام علی (ع) این بود که روزی بتوانم با شخصیت پسر ابوطالب می‌شوم و از منظر او با حقیقت عالم آشنا شوم. این حس کنجکاوی شدید از زمانی شروع شد که هر زمان نام این بزرگ‌مرد را می‌شنیدم با هیبت و عظمت خاصی در گفتار و رفتار می‌خاسته می‌شد. حتی در محاورات روزمره که نام کسی را به این اسم صدا می‌زدند لرزه بر اندامم می‌افتاد...! از کودکی متعجبانه شاهد اشک‌های بی‌مهابای مادرم بر پهنای صورتش بودم که چگونه عاشقانه او را صدا می‌زد و از او یاری می‌خواست و از فرزندش تنها تقاضای دیدار پدر را داشت! این اعجاز عشق چگونه ممکن است، بی‌آنکه کتاب او را ورق زده باشد و با کلامش آشنا باشد؟! www.ketab.ir

هر از گاهی در خواب می‌دیدم به کتابخانه عظیمی وارد می‌شوم و در میان تمام کتاب‌ها، کتابی قطور و بزرگ‌تر از حد معمول کتاب‌های دیگر نمایان است و چشمان مرا به خود جلب می‌کند که نام آن را در خواب می‌توانستم بخوانم (غیرالحکم) اما در بیداری نمی‌توانستم به راحتی تلفظ کنم. فقط با چشم در کتابخانه پدر بزرگم و پدرم جستجو می‌کردم و همیشه برایم سؤال بود تا اینکه در دنیای کودکی به فراموشی سپرده می‌شد تا در رویای بعدی آن را دوباره ببینم.



در جوانی روزی مرد میان سالی را صدا زدم که از او آدرسی را بپرسم ، گفتم ببخشید آقا بی درنگ با صدایی دلنشین و محکم گفت آقا فقط امیرالمؤمنین! بگو دختر جان ...

چرا فقط او؟! چرا؟ و چراهای بیشتر...! تا اینکه تصمیم گرفتم اصولی با این اسطوره الهی آشنا شوم .

سرانجام توانستم به حول و قوه الهی در رشته معارف علوی موفق به کسب علم شوم اما از آنجائی که شبانه روز درگیر فشار کار بیرون بودم توفیق شرکت در کلاس های حضوری را نداشتم و اجباراً به صورت مجازی رشته ای را که آرزو داشتم ادامه دادم و در کنار کتاب های دانشگاهی برای فهم بهتر مطالب از نظرات اندیشمندان و بزرگان بهره می جستیم و از آقا امیرالمؤمنین مدد می خواستیم تا مرا با حقیقت کلامش آشنا سازد ...! هر کلام علی (ع) تیری بر قلبم بود که تاب تحمل این کلام سنگین را نداشتم ...! گفتار آمیخته با عشق و اضطراب ، هیبت و عظمت همراه با لطافت چنان درونم را به لرزه می انداخت که بی اختیار اشک، امانم را می ربود و مرا از این عالمی دیگر می بُرد و غرق در اندیشه آن روزگار و درد و غم مولایم می نمود! روح من دیوانه وار به دنبال راه چاره بود و یاری اطرافیان را می طلبید بی آنکه متوجه باشم کار از کار گذشته و نوشدارو ...!

میلی به بازگشت از بارگاه آفتاب به دنیای امروزی خود را نداشتم ، برای همین چندین باره به سراغ کلامش می رفتم و خود را غرق در عالم او می کردم و هرباره برایم تازگی داشت؛ چراکه درک کلامش چنان عطشی در درونم ایجاد می کرد که سیراب شدنی در کار نبود. همچنان حیرانیم را تشدید می کرد و جراحתי تازه تر بر قلبم وارد می ساخت...! از سخنانش که فارغ می شدم، شخصیتش مرا سرگردان می نمود؛ انگار نه انگار که او و تألماتش را از کودکی می شناختم و با سخنانش بزرگ شده بودم ...! کسی دیگر بود...! شخصیتی که از او در ذهنم پرورانده بودم تفاوتش از زمین تا آسمان بود ...! دنیای او دنیای من شده بود و این حس برایم اعجاب انگیز می نمود...! باید اعتراف کنیم که با



مولایمان بیگانه‌ایم. دنیایی که برای خود و جامعه ساخته‌ایم دنیای دیگری است
غیر از دنیای علی (ع) ...!

به‌طور کلی انگیزه من از نگارش این کتاب، آشنایی بیشتر نسل امروز با کسی
است که از کودکی در شناسنامه، همیشه همراهان بوده و در هر مسیری که
قدم برداشتیم و حتی فرمی را پُر کردیم، در کنار اسم و فامیلان نام او را که
همان عقیده و مسلکمان بود گنجاندیم! هر عهده‌ای که بستیم نام او را بر زبانمان
آوردیم و هر بار از خردسالی زمین خوردیم بانام او زانوهای زخمی‌مان را
تکان دادیم و دوباره شروع کردیم ... اما متأسفانه دریغ از ذره‌ای توجه و
شناخت از این یگانه موجود منحصر به فرد که گمشده‌ی نسل امروز است و از سر
گم‌گشتگی، هر کسی را هم پای او قرار می‌دهیم در حالی که نمیدانیم از سرچشمه
زالال حقیقت، لحظه به لحظه دورتر می‌شویم ...!

از آنجایی که سینه‌ی مولای من، نادرستی از کتاب وجودی انسان و تجلی کلام
رب‌العالمین است برای اثبات این، به نسل امروز و آشنایی بیشتر با حکمت
کلام وحی؛ گفتار امام و گفتار حق را به صورت تطبیقی، عینی - تفسیری آوردم و
ساختار کتاب را، همچون ساختار کتاب غرر الحکم و درر الکلم آمدم، در شش
بند اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با ترجمه‌ای روان و
عامیانه تنظیم نمودم. البته به این کتاب اکتفا نکردم و از کتاب گوهر بار تحف العقول
علامه حرّانی و همچنین نهج البلاغه‌ی شریف رضی، از تمامی (خطبه‌ها و نامه‌ها
و کلمات قصارش) تا جایی که در توان علمی و ذهنی‌ام بود فروگذار نکردم و هر
سه کتاب را ورق زده و هر کلامی از مولای من که مصداق عینی قرآن بود آوردم و
در کنار هم قرار دادم. به لطف پروردگار و عنایت آقا در روز ۱۱ رجب، فروردین
سال ۹۶ خورشیدی کار نگارش کتاب را به اتمام رساندم.

این اثر مانند هر اثر دیگری خالی از عیب و نقص نیست. امیدوارم
صاحب‌نظران از نظرات اصلاحی خود نگارنده را محروم نسازند. در پایان لازم
می‌دانم از آقای مدیر مسئول انتشارات به جهت عنایت به چاپ این
اثر تشکر نمایم.



دگر باره خدا را از سر اخلاص سپاس میگویم و امید دارم که به سبب فیض
رحمتش مدد فرماید و مرا محب و شیعه سرور عالمیان، علی مرتضی قرار دهد
و شفاعت مولایم را نصیبم گرداند. آمین ...
بنت‌الهدی جعفری راد ۱۳ رجب سال ۱۴۳۸ ه.ق



پیشگفتار

سخن گفتن دربار افکار المؤمنین و سخنان بی نظیر ایشان کار آسانی نیست اما از آنجایی که حقیقت را می توان به خوبی از اقیانوس بیکران علم او راه یافت و آشنایی پیدا کرد.

او والاترین نشانه ها از آیات الهی ست، او نسخه ای از حقیقت وجودی انسان است و کلامش پرتوی از وجود اوست...

نهج البلاغه، نازله ی روح امیر مؤمنان است؛ از این روی همچون شخصیت جامع و شگفت انگیز آن حضرت، از وجوهی مختلف، شگفت و بی نظیر و از والاترین مرتبه برخوردار است. الفاظ و جملات، بافت و هندسه ی کلام، قوت و استحکام، آهنگ و موسیقی کلام، لطافت و سحر بیان و معانی، چنان جاذبه، زیبایی و عمقی به این کتاب بخشیده است که هر اهل ادب و ذوقی را مجذوب و شگفت زده می سازد.

کدام ادیب و سخنور بزرگ می تواند خطبه ای چون خطبه های علی (ع) که بالبداهه ایراد شده است، حتی با صرف وقت فراوان فراهم آورد؟! کدام عارف و حکیم، قدرت این را دارد که جمله ای چون جملات حکیمانه او



بیان نمایند؟! کدام زمامدار و رهبر اجتماعی را یارای آن است که همسان با کلام او، خطبه‌ای در سیاست و مدیریت ایراد کند؟! کدام فرمانده سپاه و امیر لشکر می‌تواند همچون او با خطبه‌ای حماسی، روح سلحشوری را به اوج رساند و کلامی به استواری کلام او در آیین جنگاوری بر زبان براند؟! بارزترین ویژگی نهج‌البلاغه که آن را از دیگر کتاب‌ها ممتاز کرده و در فرهنگ و ادب اسلامی به آن جایگاهی ویژه و برجسته بخشیده است؛ عبارت‌پردازی زیبا، آرایش لفظی و روح و آهنگ حماسی آن است. مفاهیم عالی و ماندگار نهج‌البلاغه آنگاه‌که به زیور هنر فصاحت و بلاغت آراسته می‌شود و صناعت‌های لفظی و معنوی، به‌خصوص سجع و آهنگ کلام، به آن جان می‌بخشد، روح شنونده را به تسخیر خود درمی‌آورد و جان شیفته‌ی او را، کلمه به کلمه به دنبال خود می‌کشد....!

علاوه بر فصاحت و بلاغت، و زیبایی لفظی و آرایش هنری، معانی ژرف و مفاهیم والای نهج‌البلاغه، این کتاب بی‌نظیر را به درازی تاریخ، جاودانگی بخشیده است؛ مفاهیم عمیقی که با فطرت انسان گره‌خورده و از سرچشمه وحی مایه گرفته و از آبشار کلام علی (ع) در این دنیای زمان، بر پهن دشت زندگانی انسان‌ها جریان یافته است....!

نهج‌البلاغه، کتاب چگونه زیستن، چگونه اندیشیدن و چگونه پرستیدن است. نهج‌البلاغه کتاب زهد و عشق است، کتاب جنگ و پرستش و کتاب حکمت و فلسفه است، کتاب سیاست و حکومت و کتاب برخورداری از دنیا و آخرت است....! (www.dorenajaf.valiasr-aj.com)

و همچنین به‌طریق اولی، کتاب وحی آن زمان که از عالم اعلی بر قلب مطهر پیامبر اکرم (ص) نازل گشت، در برترین مرتبه‌ی معنای فصاحت و بلاغت، چنان بی‌همتا ظهور کرد که در طول قرون و اعصار متمادی، علما، اندیشمندان و متخصصان علوم اسلامی را به تلاش پیگیر برای استخراج معانی و مقاصد آیات شریفش واداشت. این تکاپو همواره ادامه داشته و هیچ‌گاه پایانی نخواهد داشت! چراکه این منبع عظیم الهی بسان اقیانوسی



بی‌کران است که غَوَاصِ اندیشه به ژرفای عمق آن نخواهد رسید.
پیوند علی(ع) و قرآن پیوندی حقیقی است و یکی بدون دیگری متصور نیست، چنان‌که پیامبر اکرم(ص) در سخنی بلند فرموده است:
عَلَيْ مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.
علی همراه قرآن است و قرآن نیز با علی علیه السلام است. هیچگاه علی(ع) از قرآن و قرآن از علی(ع)، جدا نمی‌شوند تا این که کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. (المستدرک علی الصحيحینج ۳ ص ۱۳۴)

در کتاب المعجزة الخالده، نوشته هبة الدین شهرستانی؛ کتاب نهج البلاغه را «أخ القرآن» یعنی برادر قرآن نامیده‌اند، زیرا که شیعیان، تفسیر کلام وحی را در کلام و عمل آن حضرت جست‌وجو می‌نمایند...! این چندان است که قرآن کریم، کتاب انسان‌سازی و علی(ع) ترجمان و مبین قرآن است. یعنی بعضی غیر از آن حضرت می‌تواند مفسر کتاب خدا باشد؟! او که أعلم به وحی و سیره نبوی و اسبق به ایمان و اقرب به پیامبر(ص) است...! که خود را «نَزَّلَ عَلَيْنَا وَابْلَغَ فَرْمُودُنَا: يَنْحُدِرُ عَنِّي السَّيْلُ، وَلَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ: سَيْلٌ حَكَمْتُ وَأَنْقَلَهُ هَای رَفِيعَ عِلْمٍ مِنْ جَارِيَسْتِ وَ مَرْعَاكَانِ اندیشه ی بشری، یارای پرواز بر اوج علم بی‌کران مرا ندارند» (خطبه شقشقیه)

نهج البلاغه در همه جهات متأثر از قرآن است و در حقیقت فرزند قرآن است. و به حق، سخن علی(ع) را از سخن خالق فروتر و از سخن مخلوق فراتر خوانده‌اند!

اگر به دقت در این مصحف شریف بنگریم، آن را تنها کتابی می‌یابیم که بعد از قرآن، جمال ظاهری و کمال معنوی‌اش به سر حد اعجاز رسیده است. سخن حضرت، شعاعی است از انوار کلام الهی و خورشیدی است که فروغ فصاحت منطق نبوی از آن می‌درخشد.

از امتیازات شگفت‌آور بیانات گران‌قدرش همین بس که چند جنبه‌ای بودن آن حیرت‌آور و خارج از تصور انسان است...!



شریف رضی(ره) می نویسد: هنگامی که حضرت از زهد می گوید، آن چنان است که می پنداری شخصی زاهد و پارساست که در گوشه‌ی خانه جز به عبادت نمی پردازد، ولی آن سان که رشادت و شجاعتش را در میدان‌های جنگ می بینی، باور نداری این همان شخص است که چنان سخن می گفت...! و این از فضایل عجیب و ویژگی های لطیف اوست که جمع میان اضداد کرده است. مقدمه شریف رضی بر نهج البلاغه)

و اما قرآن به مقتضای حکمت الهی، در بیان معارف خود، گاه به اجمال و گاه به تفصیل، گاه مقید و گاه مطلق سخن رانده است.

شناخت موارد اجمال و ابهام و قیودات آن، بنا به گفته‌ی خود قرآن، در گنجینه‌ی علم و معرفت راسخان در علم و اهل ذکر نهفته است، که مصداق اکمل و برتر آنان بعد از خود مبارک پیامبر ختمی مرتبت (ص)، وصی برحقش، امام و حجت الهی، علی بن ابیطالب (علیه السلام) و بعد از ایشان، فرزندان طاهرش (علیه السلام) هستند. از این رو می توان گفت: اگر کلام نغز علی (علیه السلام) درباره‌ی قرآن و مسائل پیرامون آن نبود، راه شناخت حقایق این کتاب آسمانی و مفاهیم و معانی ژرف آن برای همیشه به روی بندگی در اشتقاقان بسته می ماند! (منبع: ناصر ابراهیمی؛ مجله رشد آموزش معارف اسلامی، ۱۳۸۰ - شماره ۴۴)

اما باین وجود متأسفانه شاهد این هستیم که نه تنها متفکران خارج از قلمرو اسلامی، بلکه بسیاری از اندیشه ورزان جهان اسلام نیز آنطور که شایسته و بایسته است با کلام علی آشنا نیستند! به گونه‌ای که «محمد عبده» یکی از عالمان نواندیش و مصلح معاصر و مفتی بزرگ مصر در مقدمه شرح نهج البلاغه خویش اینگونه اشاره کرده است که برحسب تصادف توسط دوستش سید جمال الدین اسدآبادی، از وجود کتابی چون نهج البلاغه آگاه شده و با مطالعه و تأمل در آن مفتون این کتاب گردیده است؛ به نقل از آیت الله فاطمی نیا این گونه شنیدم که می فرمودند: شیخ محمد عبده در اول شرحش می نویسد: که من کارهای اجتماعی ام بالاجبار تعطیل شده و خانه نشین شده بودم و چنان غم و غصه به سراغم آمده بود به طوری که خاطر من مشوش بود، این عالم اعتراف



می‌کند، همین‌طور نشسته بودم در یک مکانی، غرق در غصه‌ها و اسیر در هموم و غموم دنیایی... به یک‌باره، یک‌مشت کتاب دیدم، برحسب عادت، دستم را بردم به سوی کتابی و برداشتم، باز کردم دیدم این کتاب من را آرام می‌کند...! اما بعد «فقط اوفی بی حکم بلاطلاع علی کتاب نهج البلاغه». می‌گوید: مقدّر من این بود که بر نهج البلاغه مطلع شوم! چه طور مطلع شدم؟ رفتم دنبالش؟ نه، می‌گوید: که «مصادفه بلا تعمل» تعمل با (عین) یعنی زحمت و کوشش، می‌گه من از نو و تصادفی بدون کوشش یافتم، در چه حالی یافتم؟ «أَصَبْتُ عَلَى تَغْيُرِ حَالِ وَعُظْلَةٍ مِنْ أَعْمَالٍ وَ تَزَاوُحِ اشْغَالٍ» می‌گوید: وقتی کارهایم تعطیل بود و خاطر من پریشان بود و تبعید شده بودم آن موقع پیدا کردم وقتی باز کردم، «حَسِبْتُ تَسْلِيَةً» دیدم این آرام‌بخش من است، «وَحِيلَةٌ لِلتَّخَلُّی» این چاره‌ایست برای بیرون آمدن غصه‌هایم، بعد می‌گوید: وقتی دیدم این‌طور است، سرگرم شدم، «تَقْصِفُحْتُ بَعْضَ صَفَحَاتِهَا» بعضی صفحات آن را ورق زدم، «و تَأَمَّلْتُ جُمَلَاتٍ مِنْ عِبَارَاتِهِ» جملاتی را از عبارات نهج البلاغه تأملی کردم، می‌گوید یک دفعه رسیدم به اینجا که دیدم بدن من در این کتاب است ولی من در جاهای دیگر سیر می‌کنم!

یک وقت دارم ملکوت را می‌بینم یک وقت دارم جنگ می‌بینم یک وقت یک صحنه‌ها، دو سه تا صحنه است که وصف کرده که من یک صحنه آن را عرض می‌کنم، مثل اینکه روی هر کلمه‌ای حسابی باز کرده، می‌گوید که «فَكَانَ يُخَيَّلُ إِلَيَّ أَنْ حُرُوبًا شَبَّتْ وَ غَارَاتُ شُنَّتْ وَ أَنْ لِلْبَلَاغَةِ دَوْلَةٌ وَ لِلْفَصَاحَةِ صَوْلَةٌ وَ أَنْ حَامِلُ لَوَائِهِ الْغَالِبُ هُوَ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» می‌گوید که من دیدم در عالم بیان و قلم، جنگ‌ها در گرفته، شبیخون‌ها زده می‌شود، کسی که در این وسط پرچم پیروزی را به دوش می‌کشد امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. و این قطره‌ای از دریای اعترافات اهل تسنن در مورد بیان امیرالمؤمنین است...! (سلسله سخنرانی‌های آیت‌الله فاطمینیا)

از این رو می‌توان گفت که علی (ع) در میان مسلمانان و غیرمسلمانان غریب است و اگر هر انسانی در هر شرایط اجتماعی بدو اندک شناختی پیدا کند، شور



و شرری در هستی و جانش زبانه خواهد کشید

تاکنون ده‌ها محقق، نویسنده و اندیشمند عرب و غیر عرب مسیحی و مسلمان، شیعه و سنی، اروپایی و شرقی، مذهبی و مارکسیست و لائیک که توفیق آشنایی با علی (ع) و تاریخ او و سخنان او را داشته‌اند در ستایش از عظمت‌های او سخن گفته و نهج البلاغه را از نظر ادبی و محتوایی ستوده‌اند. (منبع؛ صوت العدالة الانسانیة، جرج جرداق، ص ۱۹، چاپ اول (به نقل از ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، علامه محمدتقی جعفری، جلد اول، چاپ اول ۱۳۵۷، ص ۱۷۱)

برخی از جاذبه‌ها و ویژگی‌های سخنان امام در نهج البلاغه را این‌گونه می‌توان برشمرد: دربرداشتن فنون سخنوری و جاذبه‌های فصاحت و بلاغت؛ جامعیت سخنان و فراوانی رهنمودهای امام در رفع نیازهای فرد و جامعه؛ دربرداشتن عمق و نکات حکمت نظری؛ ارائه رهنمودهای اساسی در حکمت عملی؛ دربرداشتن اصول و راه‌انداز علم سیاست؛ استدلال‌های قوی و قانع‌کننده؛ تجسم مطالب و موضوعات با فلسفیان دربردارنده مقررات و اصول کشورداری؛ پرورش‌دهنده افکار و اندیشه خوانندگان دربردارنده معانی والا و ارزشمند علمی و اخلاقی؛ تقویت‌کننده روح شهامت و بی‌لاواری؛ صراحت در گفتار و صداقت در طرح مسائل تاریخی و تحلیل تحولات سیاسی؛ پرورش‌دهنده روح تعهد و احساس مسئولیت؛ سخن‌گویی با زبان فطرت و بر جان‌نشینی مطلب؛ معرفی دردها به همراه راه‌های درمان و سلامت؛ مبارزه با جهل و جهل‌زدگی؛ حمایت از محرومان و به حرکت درآوردن مستضعفان؛ تکیه بر حق و حق‌محوری؛ شکل گرفتن سخنان امام در عینیت جامعه اسلامی؛ قانون‌گرایی و نهی از هرگونه هرج و مرج طلبی؛ تأکید بر ارزش‌های اصیل انسانی؛ احترام به آرای عمومی و ارزش قائل شدن برای انتخاب و آزادی انسان؛ احترام به حقوق دیگران؛ عدالت‌گرایی در همه جنبه‌های زندگی؛ آینده‌نگری؛ وجود مباحث ارزنده عقیدتی، کلامی و فلسفی؛ مباحث تاریخی؛ مباحث تفسیری و قرآنی؛ و ده‌ها مطلب ارزشمند دیگر...



ویژگی‌های یادشده، نهج البلاغه را دائرةالمعارفی بی‌نظیر گردانیده که گفتار علوی و رفتار مرتضوی را با زیبایی تمام در برابر دیدگان عالمیان به نمایش گذاشته است؛ کتابی جامع که پیروی از آن جان و جهان را دگرگون کرده و دردهای بی‌درمان آن را شفا می‌بخشد. (دکتر رضا حق پناه / نشریه اندیشه حوزه، شماره ۸۵)

در زمینه‌ی پیوند نهج البلاغه با قرآن، چهار موضوع مهم و محوری مورد توجه و قابل بررسی است:

- ۱- نهج البلاغه، از نظر معنا و مطالب، هماهنگی خاصی با قرآن دارد؛ گویی روح آیات قرآن در کالبد سخنان نهج البلاغه جاری است.
 - ۲- در نهج البلاغه گاهی آیات قرآن تفسیر شده، و گفتاری که بیان شده همان تفسیر آیات است.
 - ۳- در نهج البلاغه عنوان قرآن یا کتاب خدا، موارد زیادی از قرآن، وصف و تحلیل شده و اهداف و حکای آن بیان گردیده است.
 - ۴- نهج البلاغه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم رنگ و بوی قرآنی دارد، و در واقع نهج البلاغه را می‌توان تفسیر و تفصیل آیات محکم و متشابه و مجمل قرآن به شمار آورد.
- اما حدود ۱۰۵ آیه به شرح زیر به‌طور مستقیم در نهج البلاغه نقل شده است:

- الف: بیان تمام یا قسمتی از مضامین آیات قرآن در ۳۵ مورد از نهج البلاغه آمده است.
- ب: بیان مفاد آیه با شرح و تفصیل یا به‌اختصار در ۶۰۱ مورد از نهج البلاغه آمده است.
- ج: نهج البلاغه در ۱۲۲ مورد به آیات قرآن استشهاد کرده است.
- د: در ۱۱ جای نهج البلاغه آیات قرآن تفسیر شده است.
- ه: نهج البلاغه در ۹۶ مورد کتاب خدا را وصف کرده است.



رابطه‌ی نهج البلاغه با قرآن، رابطه‌ای طولی است و نهج البلاغه تالی تلو قرآن عزیز و محرم اسرار و بیانگر حقایق و جلوه‌های لطایف آن است. نورانیت قرآنی و بوی خوش کلام نبوی در نهج البلاغه آشکار است؛ و به تعبیر علامه محمدتقی شوشتری، شارح بزرگ نهج البلاغه، تنها تفاوت نهج البلاغه با قرآن در آن است که وحی منزل نیست.

سروده‌ی علامه محمدتقی شوشتری، شارح نهج البلاغه در وصف کلام امیرالمؤمنین:

کِتَابٌ کَانَ اللَّهُ رَضَعَ لَفْظُهُ * بِجَوْهَرِ آيَاتِ الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ
حَوَى حِكْمًا کَالدَّرِ يَنْطِقُ صَادِقًا * فَلَا فَرْقَ إِلَّا أَنَّهُ غَيْرَ مُنْزَلٍ

«نهج البلاغه» کتابی است که گویی خداوند، الفاظش را به وسیله‌ی آیات کتاب الهی (قرآن) به گوهر آراسته است. (این کتاب) حاوی حکمت‌هایی پر بها همانند آن است که گفتارش صادق است و فرقی میان آن دو نیست، جز آن که این کتاب (نهج البلاغه) فرو فرستاده نشده است. (بهج الصّباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۳)

www.ketab.ir